

زباله‌های بابل بدون «انجیلسی» کجا می‌روند؟



گروه استان‌ها یک تصمیم که قرار بود فقط یک سال دوام داشته باشد، نزدیک به سه دهه ادامه پیدا کرد. سایت انجیلسی بابل که به‌عنوان محل موقت دفن زباله راه‌اندازی شده بود، سال‌ها میزبان پسماند شهرستان بود تا اینکه سرانجام ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ ورود زباله به آن متوقف شد؛ اما با بسته شدن انجیلسی، زباله‌های بابل از بین نرفتند و مسئله اصلی مدیریت پسماند همچنان روی میز مسئولان باقی ماند.

تعطیلی این سایت، اگرچه پایان ورود زباله به انجیلسی بود، اما همزمان ضعف زیرساخت‌های جایگزین را آشکار کرد. بابل همچنان روزانه صدها تن پسماند تولید می‌کند و در ایام تعطیلات و افزایش ورود مسافران، حجم زباله نیز بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، انتقال موقت پسماند و ایجاد دیو‌های موقت نمی‌تواند راهکاری دائمی برای شهری با این میزان تولید زباله باشد.

■ از انجیلسی تا محمدحسن خان

پس از توقف فعالیت انجیلسی، بخشی از پسماند بابل به راهکارهای موقت از جمله انتقال بیرون‌استانی و دیودر سکو‌ی پسماند محدوده پل تاریخی محمدحسن‌خان منتقل شد. این سکونیز قرار نبود جایگزین دائمی انجیلسی باشد، اما انباشت حجم قابل توجهی از زباله در آن، خود به یک چالش جدید تبدیل شد و حتی وقوع آتش‌سوزی در این محدوده، نگرانی‌ها درباره وضعیت مدیریت پسماند را افزایش داد. به این ترتیب، مسئولی که قرار بود با تعطیلی یک سایت قدیمی حل شود، در نقاط دیگری از شهر و شهرستان خود را نشان داد. این تجربه نشان می‌دهد تعطیلی یک مرکز دفع، بدون آماده‌سازی زیرساخت جایگزین، الزاماً به معنای حل بحران نیست.

از سوی دیگر، بخش مهمی از مسئله به نحوه مدیریت پسماند بازمی‌گردد. جمع‌آوری زباله تنها یکی از حلقه‌های این زنجیره است و کاهش تولید، تفکیک از مبدأ، بازیافت، پردازش پسماند تر، مدیریت شیرابه و دفن اصولی نیز باید همزمان مورد توجه قرار گیرد.

■ انجیلسی هنوز تمام نشده است

با توقف ورود زباله، پرونده انجیلسی هنوز بسته نشده است. حجم پسماند انباشته شده طی سال‌های فعالیت سایت، مدیریت شیرابه و تعیین تکلیف آثار زیست محیطی ناشی از چند دهه فعالیت این مرکز همچنان از مسائل مهم منطقه است.

در همین حال، مسئولان از تدوین مدل مدیریت یکپارچه پسماند، ساماندهی انتقال، برخورد با مراکز غیرمجاز و توسعه تفکیک از مبدأ خبر داده‌اند. دانشگاه‌های بابل نیز می‌توانند در حوزه‌هایی مانند مدیریت شیرابه، پردازش پسماند، بازیافت و تولید انرژی از زباله نقش بیشتری ایفا کنند؛ ظرفیتی که در صورت اتصال پژوهش‌های دانشگاهی به نیازهای واقعی شهر، می‌تواند به بخشی از راه حل تبدیل شود.

در تازه‌ترین تحولات نیز استاندار مازندران از واگذاری ۶ هکتار زمین، جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی و اختصاص حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برای حل مشکل پسماند انجیلسی در بازه ۶ ماهه خبر داده است. اکنون مسئله اصلی، نه اعلام اعتبار و برگزاری جلسات، بلکه آغاز عملیات اجرایی و مشخص شدن زمان‌بندی پروژه است؛ از تعیین تکلیف پسماندهای قدیمی انجیلسی گرفته تا ایجاد زیرساختی که بتواند نیاز سال‌های آینده را پاسخ دهد.

■ خطر تکرار یک تجربه

تجربه انجیلسی یک هشدار برای مدیریت پسماند بابل است؛ راهکاری که اگر بدون تعیین زمان پایان و ایجاد جایگزین پایدار اجرا شود، ممکن است دوباره به یک بحران چندساله تبدیل شود.

بابل برای حل این مسئله تنها به زمین جدید برای دفن زباله نیاز ندارد. کاهش تولید پسماند، تفکیک از مبدأ، توسعه بازیافت، پردازش پسماند تر، مدیریت اصولی شیرابه و دفن ایمن پسماندهای غیر قابل استفاده باید در کنار یکدیگر قرار گیرند.

حالا پرسش اصلی این است که آیا اعتبار، زمین و سرمایه‌گذار جدید می‌توانند پرونده چند دهه‌ای انجیلسی را به نقطه پایان برسانند یا اینکه یک راهکار موقت دیگر، آغازگر فصل تازه‌ای از بحران پسماند بابل خواهد شد.

بخش قابل توجهی از فشار بر جنگل‌های شمال کشور در زنجیره قاچاق و مصرف تولیدات چوبی دنبال می‌شود

هیرکانی زیر تیغ صنعت چوب



عمده مصرف چوبی که به صورت قاچاق از جنگل‌های هیرکانی برداشت می‌شود، برای تأمین مواد اولیه کارخانه‌های تولید نئوپان است، از این رو تأسیس بی‌ضابطه این کارخانه‌ها در شمال کشور آسیب بزرگی به جنگل وارد کرده است

است؛ چون وقتی فردی مثلاً ۲۰ هکتار عرصه برای چرای دام دارد، به دلیل منافع و دام خودش هم که شده، از آن ۲۰ هکتار مراقبت می‌کند.

در بعضی از روستاهایی که هنوز دامدار در آن‌ها حضور دارد، اصلاً اجازه نمی‌دهند حتی یک متر از روستا به سمت جنگل تعرض شود. دامدار در این زمینه واقعاً مقاومت می‌کند و اجازه نمی‌دهد کسی به بستر جنگل تعرض کند. این یک حسن بزرگ است، چون حضور دامدار موجب می‌شود بستر جنگل حفظ شود. البته حضور دامدار معایبی هم دارد؛ برای مثال، ممکن است میزان رویش نهال در این مناطق کاهش پیدا کند، اما این مسئله هم قابل جبران است. اگر قانون کمی بهتر باشد و از جنگل نشین حمایت شود و در کنار آن تسهیلاتی در اختیارش قرار گیرد تا تعداد دام‌هایش را کاهش دهد، می‌توان کاهش رویش نهال را نیز جبران کرد.

■ چه سهمی از زغال‌هایی که امروز در سوپرمارکت‌ها و مراکز فروش عرضه می‌شود از چوب جنگلی یا منابع طبیعی تأمین شده است؟

بسیاری از آن‌ها معمولاً باغ دارند؛ مثلاً باغ لیمو و محصولات مشابه، اما در کنار آن، از چوب جنگلی هم استفاده می‌شود. برای مثال، بخشی از چوب مورد نیاز از درختان باغی تأمین می‌شود؛ یعنی درختی که در باغ فرد قرار دارد و در ملک شخصی او است، قطع می‌شود و از چوب آن استفاده می‌کنند. بخشی از نیاز نیز از جنگل تأمین می‌شود و نمی‌توان این موضوع را کتمان کرد، اما میزان آن مانند گذشته نیست. خیلی‌ها هم به سمت استفاده از مواد بازیافتی رفته‌اند و از چوب‌های ضایعاتی و ترکیب این مواد استفاده می‌کنند که البته حجم قابل توجهی ندارد.

■ با توجه به نقش قاچاق چوب و صنایع چوبی در برداشت از جنگل، مهم‌ترین چالش امروز جنگل‌های هیرکانی چیست و برای حفاظت از این میراث طبیعی چه اقدام‌هایی باید انجام شود؟

عمده مصرف چوبی که به صورت قاچاق برداشت می‌شود، برای کارخانه‌های نئوپان است و این بخش آسیب بیشتری به جنگل وارد می‌کند. یعنی اگر در جنگل‌های هیرکانی قاچاق چوب می‌بینید، بخش عمده آن برای تأمین چوب مورد نیاز کارخانه‌های نئوپان است. اگر اشتباه نکنم در سه استان شمالی کشور در مجموع

و برای گرمایش استفاده کند. معمولاً از سرشاخه‌های افتاده یا درختانی که ریشه‌کن شده‌اند استفاده می‌کنند و این میزان مصرف، اصلاً در چرخه طبیعت قابل توجه نیست.

■ استفاده دامداران از عرصه‌های جنگلی چه پیامدهایی برای جنگل دارد؟

حدود ۷۰ درصد از جنگل‌های شمال از دام‌خالی شدند؛ یعنی جنگل‌نشینان از جنگل بیرون آمدند. این اتفاق بیشتر به این دلیل بود که در زمان بهره‌برداری از جنگل، گفته می‌شد دامداران جلوی بهره‌برداری را می‌گیرند و به همین دلیل، بهترین گزینه این است که آن‌ها را از جنگل خارج کنیم. در نتیجه، حدود ۷۰ درصد دامداران از جنگل خارج شدند و می‌توان گفت حدود ۳۰ درصد جنگل‌ها همچنان جنگل نشین دارند. البته از آن ۷۰ درصد، بازگشت معکوس هم داشته‌ایم. این‌طور نیست که بازگشت معکوس اتفاق نیفتاده باشد؛ در برخی مناطق، فردی که ساماندهی و از جنگل خارج شده، دوباره به جنگل بازگشته که این مسئله به نوعی ناشی از ضعف قانون خودمان است.

به نظر من باید محاسن و معایب هر دو وضعیت را در نظر بگیریم؛ یعنی بینیم وجود دامدار در جنگل چه معایب و محاسنی دارد و از طرف دیگر نبود دامدار چه معایب و محاسنی دارد.

وقتی موضوع را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم وجود دامدار در جنگل یک حسن بسیار بزرگ دارد. البته معایب هم دارد و نمی‌توان گفت حضور دامدار فقط حسن است، اما به نظر من محاسنش بیشتر است چون در این سال‌ها که دامداران از جنگل خارج شدند، در بسیاری از روستاهای چسبیده به جنگل دارای جاندار، به‌ویژه مناطقی که دامدار از آن‌ها خارج شده بود، تعرض به سمت جنگل افزایش پیدا کرد. در بسیاری از مناطق هیرکانی مانند اربه‌کله رامسر، این اتفاق رخ داده است. در مناطق اطراف بهشهر و ساری هم هر جارا نگاه کنید، می‌بینید در مناطقی که دامداران از جنگل خارج شده‌اند، روستاهای چسبیده به جنگل به سمت جنگل تعرض کرده‌اند. در واقع، ما دامدار را از جنگل بیرون کشیدیم، اما در مقابل، بستر جنگل را از دست دادیم. وجود دامدار در جنگل موجب می‌شد مثلاً چهار نهال امکان رویش نداشته باشد و درخت آسیب ببیند؛ در مناطقی مانند اربه‌کله، جاهایی وجود دارد که تقریباً به‌طور کامل از بین رفته است. من متقدم چوبی نی‌ام، اما یک حسن بسیار بزرگ دارد و آن حفظ بستر جنگل

فاطمه طالبیان شریف | چند روز گذشته سازمان منابع طبیعی از اجرای طرح نوین مدیریت جنگل‌های هیرکانی خبر داده؛ طرحی که با ابراز نگرانی از جانب دوستداران محیط زیست همراه بوده است. در همین رابطه هادی کیادلیری معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست خواستار ارائه طرح جنگلداری نوین به متخصصان و فعالان محیط زیست شد و بر تصمیم‌گیری بر پایه شواهد علمی و رعایت اصل احتیاط تأکید کرد.

از طرفی با آغاز فصل‌های پاییز و زمستان، موضوع تأمین سوخت جنگل‌نشینان بار دیگر به یکی از دغدغه‌های حفاظت از جنگل‌های کشور تبدیل می‌شود؛ موضوعی که معمولاً با افزایش مصرف هیزم و چوب و احتمال تشدید تخریب جنگل‌ها گره می‌خورد. اما آیا امروز جنگل‌نشینان همچنان یکی از عوامل اصلی برداشت چوب از جنگل‌های شمال هستند یا بخش مهم‌تری از ماجرا در جای دیگری رقم می‌خورد. از سوی دیگر، خروج دامداران و جنگل‌نشینان از عرصه‌های جنگلی چه اثری بر حفاظت از جنگل و جلوگیری از تعرض به اراضی جنگلی داشته است.

در راستای موارد مطرح شده با حسین آقایی، فعال حوزه جنگل‌های هیرکانی درباره میزان مصرف چوب و هیزم جنگل‌نشینان در فصل سرد، ارتباط معیشت جنگل‌نشینان با حفاظت و تخریب جنگل، قاچاق چوب، مصرف صنایع چوبی و چالش‌های حفاظت از جنگل‌های هیرکانی گفت‌وگو کردیم.

■ نیاز جنگل‌نشینان به تأمین سوخت، با تخریب جنگل‌های شمال کشور چه ارتباطی دارد؟

بیشتر روستاهایی که در حاشیه جنگل قرار دارند، خوشبختانه گاز کشی شده‌اند و بخش عمده روستاهای حاشیه جنگل گاز دارند. به همین دلیل، مصرف چوب آن‌ها برای سوخت خیلی پایین آمده است. از طرف دیگر، تعداد جنگل‌نشینان هم دیگر آن قدر زیاد نیست که بتوان عدد قابل توجهی برای میزان مصرف سالانه یا مصرف آن‌ها در فصل زمستان در نظر گرفت. شاید ۲۰ سال پیش مصرف چوب برای تأمین سوخت بیشتر بود، اما امروز نمی‌توان این موضوع را چندان قابل توجه دانست. مصرف چوبی که جنگل‌نشین‌ها دارند حتی کمتر از چیزی است که گردشگران مصرف می‌کنند. همین گردشگری که آخر هفته به حاشیه جاده‌ها می‌رود، شاید ۱۰ تا ۱۵ برابر یک جنگل‌نشین در طول سال چوب مصرف کند. شما در حاشیه جاده‌ها تاسه یا چهار کیلومتر نمی‌توانید چوبی پیدا کنید، اما جنگل‌نشین این‌طور نیست که برود درخت را قطع

■ افقی

۱. کاپیتان با اخلاق سال‌های پیش تیم فوتبال پرسپولیس تهران که از او به عنوان برترین مدافع و دفاع وسط تاریخ فوتبال ایران و کل قاره آسیا یاد می‌شود - خرس آسمانی ۲. واحد ورزش بوکس - پیمان ناقلا - شرح واقعه ۳. صوت ندا - از زبان‌های زنده - ته‌نشین شونده ۴. پدر و پسر رئیس جمهور جنگ طلب آمریکا - ناتوان از حرکت - نوه ۵. مقاصد درونی - پهلوان - اندوه - رسوب ته جوی ۶. زاپاس - خواننده الهه ناز - جوی خون - آخرین نازی ۷. میوه نیکو - زیرک - سپیده‌دم - نیروی ثقل ۸. هم‌صحبت - عرصه مسابقات ورزشی ۹. جزیره‌ای در هند - از جریان‌های دوگانه سیم برق - هوش - همنشین خار ۱۰. خاندان - یکی از دو جنس - پیامبر زیبارو - کنج ۱۱. کینه - آزاد - آب در گویش بچه زنجان - نام دخترانه وطنی ۱۲. نمک طبی خورده‌نی که مصرفش مانع بروز گواتر می‌شود - ماندگاری - آموختنی لقمان ۱۳. پذیرفتن بزرگ‌ترین جزیره اندونزی - همگی ۱۴. مساوی - توانایی - سالک ۱۵. مخفف اگر - لایحه ننگین مصونیت قضایی

مستشاران آمریکایی در ایران

■ عمودی

۱. تشنه فریب بیابان - خشک مزاج - درخت پرشاخ و برگ جنگلی ۲. پایتخت کامرون - شکایت کردن - بدیع ۳. رود آرام شلولو خوف - لوکس - مادر ورزش‌ها - گوشه‌ها ۴. منفک - میهمان ناخوانده - کیسه‌کش حمام ۵. طلای سیاه - دنباله‌رو سوزن - به دریا می‌ریزد - بوی رطوبت ۶. موجود سربار - فاقد - ابریشم ناخالص ۷. شهر سفال - فلز چهره - بالایی ۸. کلمه تأکید - سخن گزافه - نثر و بی‌مزه - باخت شطرنجی ۹. نام مادر گرامی امام حسن عسکری (ع) - ستاره - ابرخودروساز ژاپنی که در زمینه تولید خودروهای سواری با موتور تخت فعالیت دارد ۱۰. چوبی که بر گردن گاو شخم‌زن می‌گذارند - مهربان - کشتن ۱۱. پس‌ندادنی خسیس - دستور - ماه سرد - خزنده گزنده ۱۲. واحد طول ۹۰ سانتیمتری - ابزار ی در ورزش باستانی - رودخانه مرزی ۱۳. نادان - همسر مرد - سرپرستی

حدود ۳۴ کارخانه بزرگ نئوپان داریم که برای سه استان عدد قابل توجهی است. گیلان و مازندران هر کدام حدود ۱۲ کارخانه دارند. حجم مصرف سالانه چوب این کارخانه‌ها را دقیق نمی‌دانم، اما میزان مصرف آن‌ها قابل توجه است و باید بررسی شود که این کارخانه‌ها سالانه چه حجمی از چوب را مصرف می‌کنند. بیشترین مصرف چوب را کارخانه‌های نئوپان دارند.

ببینید وقتی یک قاچاقچی را می‌گیرند، ۲۴ ساعت نشده آزاد می‌شود یا فردی که پرونده‌های متعددی دارد که با خودرو خود دست‌کم هفت بار در پرونده قاچاق چوب دستگیر شده، در واقع قانون آن قدر بازدارنده نیست که دوباره این کار را تکرار نکند. یک بار اموال و خودرو او را به نفع دولت، جنگلبانی یا منابع طبیعی مصادره کنیم.

در مافقظ ضعف قانون نیست؛ بحث لابی مافیای چوب هم وجود دارد که از این افراد حمایت می‌کند و در شرایط سخت دست آن‌ها را می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد قانون کار خودش را انجام دهد. وگرنه مگر می‌شود یک نفر هفت بار دستگیر شود و دوباره برود قاچاق چوب انجام دهد؟ درد ما جای دیگری است و آن، وجود کارخانه‌های نئوپان است. در سال ۱۳۹۶ اعلام کردیم برداشت چوب از جنگل‌های هیرکانی ممنوع است، اما فکر می‌کنم همان سال در رشت، سه کارخانه نئوپان همزمان افتتاح شد. یعنی از یک طرف گفتیم برداشت چوب از جنگل ممنوع است و از طرف دیگر، کارخانه‌هایی را افتتاح کردیم که به چوب نیاز دارند.

متأسفانه مشکل اینجا است که مافیای چوب، جنگل را به عنوان انبار چوب می‌بیند. درد ما همین است. در بسیاری از جنگل‌هایی که جنگل‌نشین در آن‌ها حضور دارد، این اتفاق کمتر رخ می‌دهد، چون جنگلبان، جنگل‌نشین را می‌شناسد و او هم اجازه نمی‌دهد فرد دیگری به‌راحتی چوب قاچاق کند. اما در مناطقی که جنگل بی‌صاحب شده، هم بستر جنگل را از دست داده‌ایم و هم درختان آن را؛ یعنی از هر دو طرف آسیب دیده‌ایم.

■ چه ضرری ما می‌کنیم و چه سودی مافیای چوب و کارخانه‌های نئوپان می‌برند؟

یک قاچاقچی می‌رود و بهترین درختان جنگل را انتخاب می‌کند و می‌برد، چرا؟ چون می‌خواهد چوب باکیفیت به کارخانه تحویل دهد. طبیعتاً نمی‌رود درختی را که توخالی یا به اصطلاح «لاپی» است، قطع کند. این یعنی یک ضرر بزرگ؛ چون فرد از میان مثلاً ۱۰۰ درخت، بهترین درخت را انتخاب می‌کند؛ درختی که می‌توانسته بارور باشد و برای تکثیر و تولید بذر مورد استفاده قرار گیرد. چنین درختی قطع و از جنگل خارج می‌شود و این یک خسارت جدی برای جنگل است. از طرف دیگر، چون چوب قاچاق است، کارخانه نئوپان آن را با قیمت بسیار پایین‌تری خریداری می‌کند؛ مثلاً اگر ارزش واقعی چوب ۱۰۰ میلیون تومان باشد، ممکن است یک‌سوم یا حتی یک‌چهارم این قیمت خریداری شود و مثلاً با ۲۰ میلیون تومان به کارخانه برسد.

در واقع، ما چند حاضر می‌کنیم؛ هم به جنگل آسیب زده‌ایم و بهترین درخت را قطع کرده‌ایم، هم همان چوب باکیفیت را با نازل‌ترین قیمت از دست داده‌ایم. در مقابل، چه کسی بیشترین سود را می‌برد و بیشترین ثروت را تولید می‌کند؟ کارخانه نئوپان.

از درختی که مثلاً ارزش چوب آن ۲۰۰ میلیون تومان است، ممکن است کارخانه‌ای ۲ میلیارد تومان تولید ثروت کند یا مثلاً یک کارخانه مبل‌سازی با استفاده از آن، محصولی به ارزش ۲ میلیارد تومان تولید کند. در واقع، ما از همه جهت ضرر می‌کنیم؛ هم بهترین درختانمان را از دست می‌دهیم، هم چوب آن‌ها با کمترین قیمت فروخته می‌شود و در نهایت، بیشترین منفعت را مافیای چوب و صنایع وابسته می‌برند. جنگل‌های هیرکانی در مقایسه با مساحت ایران، وسعت بسیار ناچیزی دارند. مساحت ایران حدود ۱۶۴ میلیون هکتار است و مساحت جنگل‌های هیرکانی، اگر خوشبینانه‌ترین برآورد امروز را در نظر بگیریم، حدود ۲ میلیون هکتار است. بنا براین، سهم جنگل‌های هیرکانی از مساحت کشور بسیار اندک و کمتر از ۲ درصد است. با این حال، بیش از ۵۰ درصد تنوع زیستی ایران در همین محدوده قرار دارد؛ یعنی از نظر پوشش گیاهی و جانوری، بخش قابل توجهی از تنوع زیستی کشور در همین حدود ۲ میلیون هکتار متمرکز است.

اگر تلاش کنیم این ۲ میلیون هکتار جنگل‌های هیرکانی را هر جا که شرایط آن وجود دارد، به صورت مناطق حفاظت‌شده و پارک‌های ملی درآوریم و مانند پارک ملی گلستان از آن‌ها حفاظت کنیم، کار خیلی بزرگی نکرده‌ایم؛ بلکه از یک میراث بسیار بزرگ برای آیندگان دفاع کرده‌ایم.

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

– صوت ندای بی‌ادبانه ۱۴. آموختنی بچه‌محصل – مادر فلزات – خنده‌رو ۱۵. فردهنده برقی مو – واحدی برای شمارش قند – خارج

۹۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۹۲	۶	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۹۳	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۹۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۹۶	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۹۷	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۹۸	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۹۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰۰	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹